

## دربارهٔ پاره‌های موزون گلستان

سعید پورکیا

مقالهٔ «پاره‌های موزون گلستان سعدی» را با لذت و دقت دنبال کردم. در پی کلاس‌های وزن شعر آقای نجفی و مطالعهٔ مباحث مربوط به طبقه‌بندی اوزان شعر فارسی به تشویق و راه‌نمایی ایشان، چاپ مقالهٔ مزبور فرصت مغتنم دیگری به دست داد تا با تحقیقات جدیدی در این باب آشنا شوم و نکته‌های تازه‌ای بیاموزم. در خلال مطالعهٔ این مقاله در چهار شمارهٔ نامهٔ فرهنگستان، نکاتی به نظرم رسید که اهم آنها را به عرض می‌رسانم.\*

۶. وزن فعل‌ن فعلون «فقط به صورت دوری مستعمل است».

□ نمونه‌هایی از کاربرد این وزن به صورت مربع دیده شده است، از جمله:

ای دست‌هایت

گهوارهٔ من

پرورده در خود

هم جان و هم تن

پروین دولت‌آبادی، بر قایق ابرها

پروانه‌ها باز

با هم به پرواز

بر گل نشینند

\* شمارهٔ توضیحات راجع است به همان شمارهٔ ردیف مقالهٔ «پاره‌های موزون...»؛ به دنبال آن، ابتدا مطلبی از مقالهٔ مذکور که توضیح مربوط به آن است و سپس اظهارنظر دربارهٔ آن با علامت □ آمده است.

چون گل شود باز

عباس یمنی شریف، نیم قرن در باغ شعر کودکان

۱۴. بر وزنِ مفاعِلن مفعِلن مفعِلان شعری موجود نیست نه در دواوینِ شعرا و نه در کتبِ عروض. فقط در المعجمِ بی‌تی هست که مصراعِ دومش بر این وزن است و مصراعِ اولش بر وزنی دیگر:

تا غمت اندر دلِ من گشت پدید

کسی مرا با لبِ پر خنده ندید

□ این دو مصراع بر یک وزن‌اند و فرقی ظاهری بین این دو نتیجه استفاده از یکی از اختیارات شاعری است. مصراعِ اولِ این بیت بر وزن مفعِلن مفعِلن مفعِلان است و مصراعِ دوم بر وزنِ مفاعِلن مفعِلن مفعِلان. یعنی در رکنِ اول، به جوازِ اختیارات شاعری، مفاعِلن به جای مفعِلن آمده است. اِعمالِ این اختیار در رکنِ اولِ نادر است. شاعری معاصر به نام اسدالله شعبانی شعری با عنوان «سالِ نو»، بر وزنِ مفعِلن مفاعِلن سروده، ۴ مصراع در چند جای آن بر وزنِ مفاعِلن مفاعِلن است، یعنی چهار بار، در رکنِ اول، مفاعِلن به جای مفعِلن آمده است. نمونه‌ای از آن را در مصراعِ پایانیِ پارهٔ زیر می‌بینیم:

دانه به دانه سبزه‌ها

از دلِ خاک می‌دمند

با گل و برگ رنگ رنگ

به ما سلام می‌دهند.

مجموعهٔ آب و مهتاب

بر این اساس، پارهٔ شمارهٔ ۱۵۷ هم موزون است، چون بر وزنِ مفاعِلن مفعِلن فاعِلان است و در رکنِ اولِ مفاعِلن به جای مفعِلن آمده است.

۱۵. این وزن [فعولن مفاعِلن] در کتبِ عروض و در دواوینِ شاعرانِ پیشین به صورتِ مَثمن آمده است نه مربع.

□ در معیارِ الاشعار آمده است:

و بر مسدس و مربع هم مثال‌ها آورده‌اند و از همه به طبع نزدیک‌تر «سالم» بود، خانه‌ها از

یکدیگر جدا جدا بر این گونه:

من از غم گدازانم تو بی‌غم گدازانی من از عشق نالانم تو بی‌عشق نازانی

(چاپ نجم‌الدوله، تهران، ۱۳۲۰، ص ۷۷؛ چاپ فشارکی، اصفهان ۱۳۶۳، ص ۲۸)

۲۴. وزنِ مفعول مفاعِلن فقط در کتبِ عروض آمده نه در دواوینِ شعرا.

□ از شاعری معاصر، به نام پروین جزایری، چندین نمونه در دست است، از جمله:

در برکه چشمانت

بسیار نظر کردم

شاید که در آن بینم

.....

از بهاران، ص ۶۱؛ نیز ← ص ۷۱، ۷۴، ۸۶، ۹۹

۳۵. وزنِ مستفعلن فعلنن مفاعلن «کاملاً خوش آهنگ و مطبوع است ولی در کتب

عروض نیامده و شاعران نیز شعری بر آن نسروده‌اند».

□ پروین جزایری چند شعر بر این وزن سروده است، از جمله:

ای همچو خون به رگم ای تپش مرا

بشنو حدیثِ چنین جوشش مرا

موج خیالی تو در هم شکسته است

آرام آبی آرامش مرا

گرچه به باغِ تمنا ندیده‌ای

سرکش نهالی دل و رویش مرا

.....

جواب و سراب

۴۴. «کتب عروض ذکری از این وزن [فاعلاتُ مفتعلن فع] نکرده و هویتِ آن را نشان

نداده‌اند و شاعران گذشته شعری بر این وزن نسروده‌اند، اما یکی از شاعران معاصر

[یدالله رؤیایی] به آن اقبال کرده است».

□ سیمین بهبهانی هم وزنِ فاعلات مفتعلن فع را به صورتِ دوری به کار برده است:

عیدِ پولِ زرد و عروسک، عیدِ کفشِ برقی و دامن

عیدِ ترکیِ مشق و دبستان، عیدِ شادِ کودکیِ من

یک دریچهٔ آزادی

نیز مهدی اخوان ثالث:

می‌روم دگر ز دیارت، خیر و توشهٔ سفرم کن

دل که شد لبالبِ دردت، خون به ساغرِ جگرم کن

دوزخ اما سرد

۴۸. برای وزنِ فعولن فعولن فعولن این شعر از سیروس شمیسا شاهد آورده شده است:

درین شب آرام هر ترانه تویی نو  
تمام صداها ترانه‌ای ز تو باشد  
عبور نسیمی میان برگ و درخت  
چو خاطره‌ی عاشقانه‌ای ز تو باشد.

□ مصراع سوم آن هم، با استفاده از اختیارات شاعری، دقیقاً بر وزن همین پاره گلستان است. تقطیع مصراع سوم چنین است: فعول فعولن فعول مفتعلن یا، درست‌تر، مفاعل مستفعلن مفاعل فع، که به جای دو هجای کوتاه در قسمت پایانی مصراع یک هجای بلند می‌توان آورد. وزن مصراع اول و دوم و چهارم همان است که آورده‌اند با این قید که در آنجا هم از اختیار یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه استفاده شده است.

۵۹. «بر وزن فعلاتن فعلاتن شاعران معروف شعری نسروده‌اند.»

□ نمونه زیر از اخوان ثالث در دست است:

شب که شد آینه تب کرد  
آن شب اما چه شبی بود

.....

چه از آن دورترین دور  
چه از این گوشه نزدیک

دوزخ اما سرد

۸۳. «بر این وزن [فعولن فعولن] تنها یک بیت در یکی از کتب عروض آمده است.»

□ نمونه زیر هم دیده شده است:

به چشم من اما  
تو آغاز رودی  
نشان حیاتی  
تو شفاف و آبی  
طنینی ز بودن  
گوارا چو آبی  
تو را می‌شناسم

پروین جزایری، از بهاران

۸۷. «از معاصران، مهدی اخوان ثالث... یکی دو بار این وزن [مستفعلن فعلن] را به کار

برده است.»

□ نمونه‌های دیگری هم وجود دارد؛ از جمله:

دل تنگم از این شهر

ای شهرِ زیبایم

در خوابِ خود شبها

سوی تو می‌آیم

جعفر ابراهیمی، آب و مهتاب

۱۷۱. □ پارهٔ «دیدم که به رقص اندر آمد» به مفعولِ مفاعیلِ فع تقطیع شده است. می‌توان و بهتر است این پاره را به مفعولِ مفاعِلنِ فعولن تقطیع کرد که یکی از رایج‌ترین و خوش‌آهنگ‌ترین اوزانِ شعرِ فارسی است:

ای نامِ تو بهترین سرآغاز

بی‌نامِ تو نامه کی کنم باز

نظامی

### ۲۰۰. فضل و ادبی نیست و چیزی

□ ظاهراً در تقطیع این پاره، به شیوهٔ مرسوم در قدیم، «ت» در «نیست» خوانده نشده، یعنی عبارت به صورتِ ni-so-či-zi خوانده و تقطیع شده است. ولی اگر عبارت به صورتِ کامل یعنی nis-to-či-zi و به وزنِ (مفعولِ مفاعیلِ فعولن یا مستفعلِ مستفعلِ فعولن) خوانده شود، باز هم موزون است. اشعار فراوانی به این وزن در دست است؛ از جمله:

از دست و زبان که برآید

کز عهدهٔ شکرش به درآید

سعدی

۲۱۴. وزن فعلاتن مفاعِلنِ فع «نه در کتبِ عروض یافت می‌شود و نه در دواوینِ شاعران مگر به صورتِ فاعلاتن مفاعِلنِ فع».

□ خانلری (وزنِ شعرِ فارسی، ص ۲۳۲)، به نقل از شمسِ قیس، بیت

رخ چون آینه ز خورشید

زده بر روی نقشِ آذر

را آورده و به فعلاتن مفاعِلنِ فع تقطیع کرده است، هرچند در المعجم این بیت چنین آمده است:

روی چون آینه ز خورشید

داشته پیش نقشِ آذر

### ۲۲۴. تجربتی پیش او نیاورده (نیاورد)

□ ظاهراً برای موزون سازی، «نیاورده» «نیاورد» تقطیع شده است. حال آن‌که اصل عبارت (تجربتی پیش او نیاورده) موزون است و به مفتعلن فاعلات مفتعلن تقطیع می‌شود که، با استفاده از یکی از اختیارات شاعری، در رکن آخر، مفتعلن به جای مفتعلن آمده است. بر وزن مفتعلن فاعلات مفتعلن (بحر منسرح مسدس مطوی) قدما شعر گفته‌اند؛ از جمله

چون که نکو ننگری جهان چون شد  
خیرو صلاح از زمانه بیرون شد  
ناصر خسرو

وزن مفتعلن فاعلات مفتعلن، در بحر منسرح مسدس مطوی مقطوع، نیز در کتب عروض آمده است:

چون ز تو باشد عنایت ای مهتر

هیچ ترسم ز حاسد و بدخواه

معیارالاشعار، چاپ فشارکی، ص ۴۴

### ۳۷۵. □ در پاره این شماره، ظاهراً برای موزون سازی تصرف شده است، حال آن‌که

به همان صورت اصلی نیز موزون است:

آن به خیالی مبدل شود

مفتعلن فاعلن فاعلن یا فعل فعلن فعلن فعل (بحر متقارب مثنی‌اثرم).

المعجم (چاپ مدرس رضوی، ص ۱۷۹) شاهد زیر را آورده است:

مهر تو ای ماه نیکو سیر

کرد مرا از جهان بی‌خبر

\*\*\*

در پایان، چند غلط مطبعی مقاله که به نظر رسید ذکر می‌شود:

۱۱۸. در نقل شاهد از معیارالاشعار، به جای «گر یار دیگر داری»، «گر یار دگر داری»

آمده است.

۲۲۴. در تقطیع عبارت نسخه یوسفی هجای بلند آخر پاره اضافه است.

۳۰۸. یک هجای بلند در آخر پاره کم آورده شده است.

به جای ۳۳۲، ۴: ۳۳۲ آمده و، در تقطیع، در رکن اول، یک هجای بلند اضافه است.

\*\*\*

لازم می‌دانم که نکته‌های زیر را درباره نتایج این تحقیق گوشزد سازم:  
آمار پاره‌های موزونی که استخراج شده از نظر شمار هجای پاره‌های موزون، تعداد  
اوزان و بسامد آنها به شرح جدول زیر است:

تعداد هجای پاره	تعداد اوزان	بسامد اوزان
۵	۱	۲
۶	۸	۱۴
۷	۲۷	۹۱
۸	۳۰	۸۲
۹	۲۶	۶۸
۱۰	۲۶	۵۸
۱۱	۱۸	۴۴
۱۲	۱۶	۲۷
۱۳	۳	۴
۱۴	۳	۳
۱۶	۲	۲

بدین سان، در این پاره‌ها ۱۶۰ وزن به کار رفته که ۱۱۸ وزن آن (حدود ۷۴ درصد) حد اکثر ۱۰ هجایی اند. جالب‌تر آن‌که بسامد این اوزان هم بالنسبه بسیار زیاد، یعنی ۳۱۵ پاره از کل ۳۸۸ پاره (حدود ۸۱ درصد) است.

از سوی دیگر، از تنوع بسیار اوزان شعر فارسی که بگذریم، در حدود ۹۹ درصد اشعار فارسی در ۳۰ وزن سروده شده‌اند. پس می‌توان گفت که این ۳۰ وزن تقریباً همه سروده‌های شاعران پارسی را شامل می‌شود. اما این ۳۰ وزن، جز یکی، همگی بیش از ۱۰ هجا دارند و بیشترین تراکم در اوزان ۱۱ و ۱۶ هجایی است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که هیچ تناسبی بین اوزان شعر فارسی و پاره‌های موزون استخراج شده از نظر تعداد هجا موجود نیست. پرکاربردترین اوزان در پاره‌های موزون گلستان بدین قرارند: فعولن فعولن فعل و مستعملن فعلاتن فع هر یک با بسامد ۱۱ بار؛ پس از آن، اوزان زیر

هر یک ۹ بار: مفاعیلن فعلاتن؛ مفعول مفاعیلن؛ فاعلن فاعلن فع؛ مفعولن فاعلن.  
 از میان اوزانی که هر یک بیش از پنج بار تکرار شده‌اند فقط سه وزن جزو اوزان  
 پرکاربرد شعر فارسی است به این شرح: فعولن فعولن فعولن فعل (۸ بار)؛ مفعول مفاعیلن فعولن  
 (۸ بار)؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (۷ بار)

سرانجام، ضمن توری گلستان، پاره‌هایی (جمله‌های تمام) موزون به نظر رسید که در  
 مقاله «پاره‌های موزون گلستان» از قلم افتاده بود که «یکی از بزرگان گفت»، «درویشی را  
 دیدم»، «جزای طاعت خواهند» در آغاز باب دوم و «بحثی می‌کردم»، «مفهوم ما  
 نمی‌گردد» و «تعجب همی کردند» در آغاز باب ششم نمونه‌های آن است.

□

